

بسمه تعالی

مردادماه ۱۳۹۱

موضوع: نیم‌نگاهی به بورس ارز و رها کردن سیاست نرخ مرجع برای کالاهای اساسی، ضروری و سرمایه‌ای

یکی از مصادیق تورم‌زا در اقتصاد ایران افزایش نرخ ارز می‌باشد و اقتصاد مقاومتی با تورم بالا امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا تغییر سالانه نرخ ارز توسط بانک مرکزی با هر عنوان از جمله مدیریت شناور ارز ضمن تثبیت تورم ناشی از افزایش نرخ ارز موجب تضمین سودآوری سرمایه‌گذاری در ارز شده و به سرعت موجب دلاریزه شدن اقتصاد کشور می‌گردد. با همین رویکرد بسیاری از کشورهای در حال توسعه با ثابت نگه داشتن نرخ ارز در مقاطع میان‌مدت در یک قیمت منطقی یا مدیریت منابع ارزی خود، مانع از خروج نقدینگی از بخش واقعی اقتصاد به سفته‌بازی در ارز می‌شوند. و لذا آنچه در این خصوص حیاتی است بررسی کارشناسانه روش‌های عملیاتی مناسب، اطلاع‌رسانی شفاف به مردم و پرهیز از روش‌های آزمون و خطا است.

راه‌اندازی بازار معاملات گواهی ارزی اگر چه می‌تواند در شرایط عادی اقتصادی مفید و موجب افزایش شفافیت باشد ولی در شرایط تحریم فعلی که راه‌های دور زدن تحریم‌ها بسیار سخت گردیده شفاف کردن آنچه باید مخفی باشد چه منافع اقتصادی برای کشور می‌تواند داشته باشد؟ در شرایطی که امکان نقل و انتقال ارز از کشور وجود ندارد ساز و کار جابجایی متشکل وجوه مابین طرفین قطعاً خیلی زود شناسایی شده و سپس توسط دشمنان صهیونیست بنگاهها و کالاها و منابع ارزی ناشی از صادرات کالاها مشخص و با تحریم و یا ترفندهای گوناگون قطع خواهد شد. ضمناً چندنرخ شدن ارز براساس منشاء و کشور مبدا در این بازار قطعی است. در طرف تقاضا نیز محدود کردن ثبت سفارشات به منزله سهمیه‌بندی رانت و باز گذاشتن آن می‌تواند موجب افزایش تقاضا برای ارز ارزان و صادرات کالاهای وارداتی با ارز ارزان شود. در شرایط خاص کنونی بایستی با واقع‌بینی به موضوع ارز

برخورد کرد و بازار صادرات گواهی ارزی در شرایط تحریمی حاضر نوعی خودزنی به شمار می‌رود و نایستی با روش آزمون و خطا با این متغیر مهم اقتصادی برخورد کرد کما اینکه در گذشته نیز ضعف تئوریکی راه‌اندازی بورس «بازار آتی سکه طلا» موجب سوءکارکرد آن در اقتصاد و رشد سفته‌بازی گسترده شده و تاکنون ادامه دارد و یا تخیل بازار آتی ارز که آن هم تأثیرات وحشتناک در اقتصاد دارد که خوشبختانه و علیرغم فضا سازی رسانه‌ای مورد تأیید دولت قرار نگرفت. و هیچ دلیلی ندارد که دستاوردهای دولت با این گونه آزمون و خطاها مورد تعرض قرار گیرد و در سال تولید ملی به هدایت منابع به سمت سفته‌بازی به جای هدایت به سمت تولید برویم.

سیاست تک‌نرخی (در شرایط محدودیت ارز (واردات بی‌رویه، هزینه ارزی مسافران تفریح در خارج) (سی میلیارد دلار ظرف ده سال) صادرات بدون پرداخت بموقع جواز، به سرعت ذخایر را نابود و موجب فروپاشی سیستم ارزی و اقتصادی می‌شود. اگر تاکنون مقاومت شده به دلیل افزایش شدید قیمت نفت و ذخایر بسیار بالا و تحریم‌های خارجی و دشمنان برای واردات کالا به ایران بوده و اگر نه نرخ ارز به طرز جهشی باز هم بالا می‌رود. بنابراین در شرایط فعلی شناوری نرخ ارز مصیبت‌های فراوانی را به اقتصاد ایران تحمیل می‌کند.

با توجه به شرایط خاص کشور محدودیت عرضه ارز وجود دارد. از یک طرف ارزهای دولتی که ناشی از فروش نفت است با زحمت قابل دسترسی و بهره‌برداری است و ارزهای مربوط به صادرات غیرنفتی متناسب با خواست و قیمت صادرکنندگان عرضه می‌شود.

طبیعی است شرایط فعلی نگرانی‌هایی را برای دولت ایجاد کرده باشد مثلاً نگرانی از اینکه تسلط و اختیاری بر ارز صادرکنندگان غیرنفتی ندارد یا نگرانی اینکه ارز با نرخ مرجع در اختیار افرادی قرار گیرد که اهداف رانت‌جویانه دارند و یا نگرانی از فاصله نرخ مرجع و نرخ بازار آزاد.

نگرانی از عملیات سفته‌بازی در بازار ارز و رشد قیمت ارز و به تبع آن رشد تورم برای مواجهه با شرایط فعلی راهکاری که مدنظر قرار گرفته فعال کردن بازار بورس است. دلایل متقنی وجود دارد که این راهکار نمی‌تواند برطرف کننده دغدغه‌های فوق باشد.

۱- ارز دولتی (با فرض اینکه در این بازار عرضه شود) و ارز صادرات غیرنفتی محدود هستند بنابراین سمت عرضه در این بازار انعطاف‌پذیری موردنیاز برای یک بازار بورس را ندارد.

۲- تقاضائی که برای ارز وجود دارد علاوه بر تقاضاهای کالای اساسی و اولویت‌دار مشتمل بر تقاضاهای کالاهای غیراولویت‌دار هستند بخش مهمی از این کالاهای غیراولویت‌دار که طبق شرایط بازار بورس مذکور، غیرقابل پذیرش‌اند واجد جمعیتی هستند که در حال تجارت و یا زندگی کاری و شخصی‌شان به آن وابسته است بنابراین محلی برای تأمین ارز خارج از بازار بورس جستجو می‌کنند این بخش از تقاضا احتمال رقم زدن قیمت خارج از بورس را تقویت می‌کند.

۳- همواره در شرایط محدودیت عرضه در هر بازاری تقاضاهای سفته‌بازی نقش فعالی ایفا می‌کنند که به‌نظر می‌رسد این دسته از تقاضاها نیز به دنبال ارزهای خارج از بورس خواهند بود که بعداً با قیمت بالاتر در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند البته تجربه نشان می‌دهد برای تقاضاهای سفته‌بازی هر قیمتی توجیه دارد.

۴- شواهد نشان می‌دهد که شرایط پیش‌روی تحریم موقتی و گذرا و محدود به یکی دو ماه نبوده و محدودیت‌های بیشتری برای دسترسی به ارز ایجاد خواهند کرد که به نوبه خود به داغ کردن قیمت نرخ ارز می‌افزاید.

۵- تقاضاهای احتیاطی که متقاضیان حوزه صنعت و تجارت و خدمات در این شرایط دارند فزونی پیدا می‌کند (رشد قیمت در بازار همواره ترغیب به خرید و نگهداری ارز خواهد کرد).

۶- آثار تورمی کالاهای موجود در انبارها و قفسه‌های مغازه‌ها به دلیل قیاس قیمت کالا با شاخص نرخ ارز پرنوسان موضوع مهمی است که در اقتصاد ایران نایبستی از غفلت کرد.

بنا بر این گرچه در شرایط عادی عرضه و تقاضا بازار بورس می‌تواند منجر به کشف قیمت، شفافیت و بهبود بازار گردد لیکن در شرایط فوق تحقق این منظور کاملاً بعید به‌نظر می‌رسد و حتی قیمت‌های بالاتر را رقم خواهد زد که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده و به تبع آن دولت با چالش‌های فراوان و غیرقابل جبرانی مواجه می‌شود.

بنظر می‌رسد:

۱- اجرای بازار بورس ارز به زمانی در آینده که شرایط عادی تحقق پیدا کند، آن هم صرفاً مشروط به چارچوب برنامه‌ای مشخص که سفته‌بازی را محدود نماید، محول گردد.

۲- در وضع موجود:

الف - بسیاری از کالاهائی که وارد می‌کنیم قابلیت تولید داخلی دارند از جمله کالاهای کشاورزی، مواد غذایی و حتی نهاده‌های تولید.

ب - برای تحقق تولید اینگونه موارد و عدم مصرف ارز برای آنها کمیسیون ویژه‌ای مرکب از افرادی که کمتر مشغله دولتی دارند و از بین مدیران با تجربه و تشکل‌های تخصصی و صالح ذیربط تشکیل و با ارائه برنامه موجبات اجرای آن فراهم گردد.

با توجه به نزدیکی فصل زراعی تعجیل در رابطه با تشکیل این کمیسیون ضروری است.

۳- اقلام نهاده‌ها و کالای اساسی، حساس، ضروری و سرمایه‌ای با تثبیت نرخ مرجع فعلی و عدم افزایش آن و به شرط کنترل در طول زنجیره تولید و در چرخه مطمئن توزیع تا با قیمت‌های مشخص به دست عامه برسد، تأمین شود.

در این حالت نرخ ارز سایر اقلام وارداتی در نقطه‌ای بالاتر می‌ایستد یعنی گرانتر شدن واردات غیرضروری و نیز ارز تفریحات و در نتیجه محدود شدن آنها.

در مورد عایدات از صادرات چون صادرکنندگان با نرخ صادراتی می‌فروشند سود بالاتری می‌برند و از سیاست‌های تأخیری در جوایز صادراتی آن خلاص می‌شوند و در نتیجه صادرات سریعاً جهش و تحول پیدا می‌کند (البته به دلیل ایجاد محدودیت در عرضه داخلی مقداری تورم ایجاد می‌کند ولی تولید - اشتغال و استحکام در اقتصاد را موجب می‌گردد).

۴- سایر تقاضاهای ارزی از طریق منابع حاصل از ارزهای صادراتی در بازار مبادله می‌گردد در موارد خاص در صورتیکه بانک مرکزی تشخیص دهد صرفاً جهت جلوگیری از افزایش و تنظیم نرخ ارز در بازار مذکور (و نه برای تأمین درآمد ریالی) منابع ارزی تزریق می‌نماید و منابع ریالی حاصل از آن جهت انواع حمایت از افزایش طبیعی نقدینگی موردنیاز بخش تولید در شرایط مذکور، با مکانیزم‌های مشخص مورد استفاده قرار گیرد.

۵- در رابطه با سیاست‌های تجاری:

* ضروری است با وضع سیاست‌های تعرفه‌ای مناسب تقاضای بیش از حد کالاهای وارداتی را به صورت طبیعی، محدود گردد (استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای در سیاست‌های بازرگانی کشور هم‌اکنون تعطیل و منفعلاً و صرفاً تا تحقق بحران در کالاها هیچ کاری نمی‌کنند و دولت را از آن محروم نموده است).

* نظم جدیدی برای تخصیص کالاهای اولویت‌دار به منظور عدم استفاده از رانت بایستی ایجاد تا در کلیه مراحل تولید و نیز عرضه تحت نظارت کامل دولت باشد. واحدهای کسب و کار متوجه شدند که وزارت بازرگانی حساسیتی ندارد و پس از واکنش جامعه و دولت وزارت بازرگانی هزاران اکیپ تعزیراتی روانه می‌کند در صورتیکه اقتصاد و کسب و کار ظرفیت این همه افراط و تفریط ندارد.

توجه داشته باشیم در زمان جنگ تحمیلی با فشارهای عجیب کاهش قیمت نفت به ۴/۵ دلار هر بشکه، زدن پالایشگاهها، زدن مخازن نفتی و پایانه‌ها و زدن نفتکش‌ها درآمد ارزی به ۵/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ رسید. معذالک دست‌اندرکاران با استفاده هوشمندانه از سیاست‌های پولی (تولیدمحور کردن نظام بانکی) و سیاست‌های ارزی (با کمیته تخصیص ارز و سیاست‌های خاص که خارج از حوصله این نامه است) و سیاست‌های بازرگانی (وضع مناسب تعرفه کالاهای وارداتی به سود حمایت از تولید داخلی با نگهداری نرخ ارز و وضع سوبسیدهای صادراتی به میزان پانصد درصد نرخ ارز ۳۵ تومان بعلاوه ۷ تومان یعنی خرید ارز صادراتی توسط دولت یا ۴۲ تومان باز بنفع تولید داخلی) اقتصاد ملی را بدون استقراض از اجانب و با پرداخت اقساط وام‌های رژیم منفور پهلوی با هدایت و نفس قدسی حضرت امام(ره) و همت ملت بزرگ ایران و تلاش خستگی‌ناپذیر مسئولان به پیش برد.

قطعاً در شرایط حاضر متناسب با افزایش و تنوع و پیچیدگی تحریم‌ها ظرفیت‌های به مراتب بیشتری نیز در شرایط حاضر پیش روی است.

محمدجواد ایروانی

۱۸ مرداد ماه ۱۳۹۱